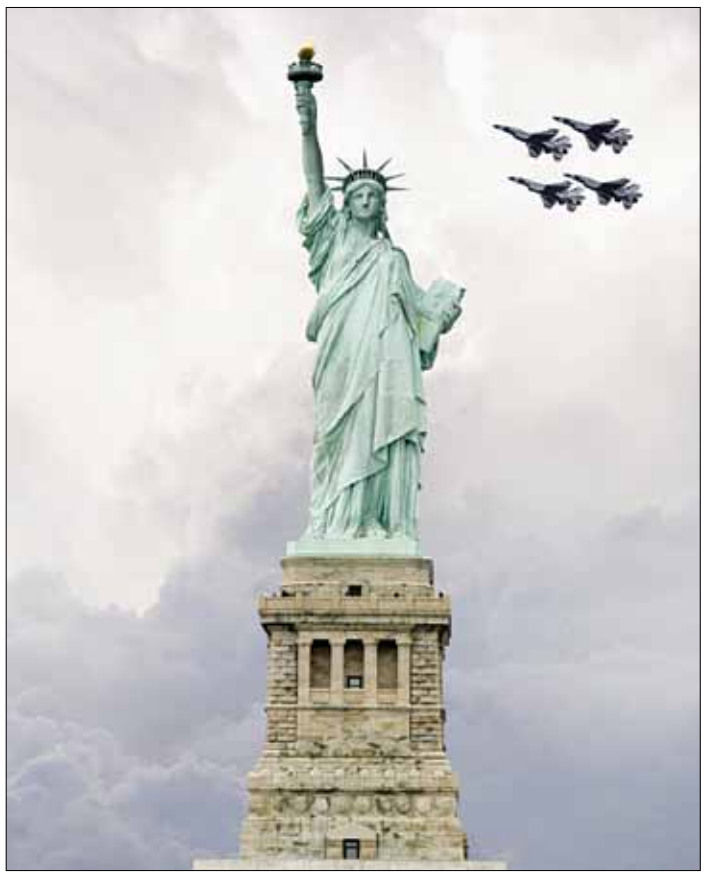

اقتدار فرهنگی و سیاسی را همزمان خدشه‌دار می‌کنند

هویت‌زدایی برنامه غربگرایان

■ سجاد عابدی ■

باورها و اعتقادات در هر کشور ارزش‌های آن کشور را تعیین می‌کند و مردم آن کشـور قادر خواهند بود هنجارهـای خود را براسـاس ارزش‌های خود تعریف کرده و به نظام اجتماعی خود سـاخت بدهند. هرچه باورها و اعتقادات مردم یک کشور قوی‌تر و همچنین یکدسـت‌تر باشـد ارزش‌های بالاتری برای آن شکل می‌گیرد و به تبع آن ساخت اجتماعی مستحکم‌تر و مقاوم‌تری پدید می‌آید. این ساخت اجتماعی مستحکم حضـور مـردم در عرصه‌های سیاسـی و اقتصادی را ثابت‌قدم‌تر می‌کند و باعث می‌شود هر روز پیروزی‌ها و موفقیت‌های بزرگ‌تری برای مردم به ارمغان بیاید. البته باورها و ارزش‌های جوامع می‌تواند بنا به دلایلی قوی‌تر یا سست‌تر شود که حمایت یا عدم حمایت و یا تضعیف این باورها توسـط حکومت‌ها و کارگزاران مردم باعث قوی‌تر شدن یا سست شدن آنها می‌شود چرا که «النـاس علی دین ملوکهم». لیکن این تاثیر همیشه به‌راحتی و بدون اصطکاک رخ نمی‌دهد بلکه در بسـیاری موارد که حکومت‌ها یا دشمنان آنها که به صورت مستقیم قصد تضعیف باور و اعتقادات مردم را داشـته‌اند، شـاهد مقاومت یکپارچه مردم بوده‌اند. گفتمـان اعتدال به منظور توسـعه ارتباطات خود با جهان غرب ناگزیر اسـت مسائل فرهنگی را از فضای اسلامی خارج و به فضای اباحه‌گری و تساهل نزدیک کند به‌گونـه‌ای که «محمود سـریع‌القلم» در کتاب «عقلانیت و توسعه‌یافتگی» چنین می‌نویسد: «یکی از دلایلی که نه‌تنها ایران، بلکه کل منطقه خاورمیانه مشکل توسعه‌یافتگی دارد، این است که در این منطقه، هویت فرهنگی قوی وجـود دارد که آمادگی ادغام با فرهنگ جهانی را نـدارد». نکته قابل توجه اینکه در برنامه فرهنگی ارائه‌شده توسط دولت حتی یک‌بار از کلمـه «جنگ نرم» و نحوه مبارزه با آن اشـاره‌ای به میان نیامده اما ۵ بار از کلمه «تساهل» به‌عنوان یکی از اصول گفتمان فرهنگی اعتدال یاد شده و برای حل نقصان‌هـای اقتصاد، فرهنگ و صیانت از تنوع و تکثر فرهنگی به آن اشاره شده است. نظریه‌پردازان گفتمان اعتدال با در دسـت داشتن این نقشه راه، وارد مسائل جزئی‌تر و ریزتری از فرهنگ می‌شوند تا بتوانند تفسیر تساهل‌گرایانه‌ای از دین اسلام به نمایش بگذارند. این گفتمان همچنین به دلیل نداشتن جایگاه اجتماعی در بین مردم تا حدود زیادی اقدام به غیریت‌سـازی و تعریف از خود به عنوان گفتمان برتر می‌کند. در این زمینه می‌توان به صحبت‌های حسن روحانی اشاره کرد: «هیچ جامعه‌ای در تاریخ قادر نبوده تفکیک جنسیتی کند، در اجتماع پیچیده و پر از ارتباطات امروزی نیز تفکیک جنسـیتی هیچ کاربردی ندارد. من با ایجاد محدودیت‌های فراقانونی علیه زنان و دختران مخالف هستم. بعضی آنقدر تنگ‌نظر هستند که حتی برخی فتواهای غیرسختگیرانه‌تر مراجع تقلید را نیز تحمل نمی‌کنند. رفتار آدم‌های سختگیر امروز با تصورات‌شان درباره دین اسـلام نمی‌خواند. اسلام را کامل و راه‌حل همه چیز معرفی می‌کنند، ولی دست آخر نمی‌توانند راهی برای وارد کردن زنان به ورزشـگاه‌ها پیدا کنند و راه محـدود کـردن را در پیش می‌گیرند. من البته معتقدم قطعاً مشکل از سوی این افراد است». در این میان گفتمان اعتدال در برخی موارد که امکان نزدیک کردن عقاید مردم به خواسـته‌ها و مطلوب‌های خود نمی‌یابد اقدام به پاک کردن صورت‌مساله کرده و بیان مـی‌دارد: «اینقدر در زندگی مردم مداخله نکنید، ولو به خاطر دلسوزی؛ بگذاریم مردم خودشان راه بهشت را انتخـاب کنند، نمی‌توان با زور و شـلاق مردم را به بهشت برد».

این گفتمان وقتی خطرناک می‌شود که راه را برای ورود اندیشه‌ها و رویکردهای ضدارزشی و ناهنجاری‌ها باز می‌کند: «تقسـیم هنرمندان به هنرمندان ارزشی و غیرارزشـی بی‌معناست، هنر یعنی ارزش و هنرمند ارزشمندی است که با کار خلاقانه به تعالی می‌رسد... وظیفه ذاتی دولت اراده و تامین مسـائل ملی همانند امنیت و سیاست خارجی است و وظیفه دولت مداخله در هنر نیست».

دولت تدبیر و امید با در نظر داشتن شبه‌گفتمان توسعه و اعتدال، سیاسـت‌ها و رویکردهای متفاوتی را در زمینه هویت‌زدایی فرهنگی از جامعه اسـلامی ایران اتخاذ کرده اسـت. دید یکسـان به هنرمندان و جریان‌های فرهنگی اعم از ارزشی و غیرارزشی در اکثر فعالیت‌های دولت یازدهم مشهود است. دولت یازدهم برای نیل به هدف خود یعنی یکسان‌سـازی فرهنگی میان ایران و غرب ۲ رویکـرد را مورد توجه قرار داده است.

رویکرد اول تضعیف جریان‌های ارزشـی و رویکرد دوم تقویت و بازکردن راه نفوذ برای جریان‌ها و عناصر غربگرا است.

در رویکـرد اول می‌تـوان بـه برگـزاری ضعیف نمایشگاه قرآن در ۲ سال گذشته و تقلیل دادن سطح بودجـه نهادهـای فرهنگی انقلابی اشـاره کرد. عدم پیگیری جدی برای پرداخت وام ازدواج و تاثیرگذاری ناگزیر آن بر آمار ازدواج از سمتی و مطلوب ندانستن طرح مسکن مهر، نمونه دیگری از اقدامات سلبی دولت است. تعطیلی جشنواره مقاومت در سال جاری، عدم حمایت از جشنواره فیلم عمار و سعی بر حذف نام فجر از بخـش بین‌الملل آن را می‌توان در همین چارچوب توجیه کرد. سـعی دولت در تخریب نیروهای ارزشی و آمـران به معروف در ماجرای اسیدپاشـی اصفهان نمونه‌ای از اقدامات دولت در راستای این رویکرد است. لازم به ذکر اسـت در رویکـرد اول به دلیل مخالفت شـدید مردم و رسـانه‌ها دولت توان اجرایی لازم در جلوگیری از جریان‌های ارزشی را ندارد.

اصلی‌ترین رفتـار دولت در رویکرد دوم را می‌توان عدم گسـترش فیلترینگ و سعی در از بین بردن آن و مخالفت علنی با جمـع‌آوری ماهواره‌ها عنوان کرد. دولت برای فرار از فیلتر کردن سـایت‌ها و برنامه‌های پیام‌رسـان ضدفرهنگی نیز فیلترینگ هوشمند را در برنامه خود قرار داد که با ترفندهای سـاده برنامه‌های پیام‌رسان و شبکه‌های اجتماعی این اقدام دولت بی‌اثر گشت. این دولت نه‌تنها مقابله جدی با پدیده نابهنجار بدحجابی و تولیدکنندگان پوشـش‌های ضدارزشی نداشـته اسـت بلکه با برگزاری دوره‌هـای مدلینگ و اجـرای نمایش‌های زنده مد و لباس مسـیر ورود و گسترش پوشش و مدهای نابهنجار را در جامعه هموار کرده است. حضور فعال عناصر فمینیست در معاونت امـور زنان نهـاد ریاسـت‌جمهوری و حمایت معاون رئیس‌جمهور از این جریان نمونه‌ای از نفوذ جریان‌های ضدارزشـی به بدنه دولت است که با چراغ سبز دولت همراه بوده است. اعطای مجوز به کتاب‌هایی که ضدیت اساسی با ارزش‌ها و مبانی عقیدتی دارند و همچنین چاپ اشـعار و داستان‌های مبتذل خروجی دیگر این رویکرد ضدفرهنگی است. ساخت و نمایش فیلم‌های موهـن که به تطهیـر رژیم شاهنشـاهی می‌پردازند یا مقدسـات را مورد انتقاد و تمسـخر قرار می‌دهند، برون‌داد این رویکرد دولت در عرصه سـینما است. در عرصه موسیقی نیز گشودن راه برای خوانندگان «رپ» و «راک» و همچنین اعطای مجوز برای خوانندگی و اجـرای زنان را می‌توان جزو سـایر اقدامات دولت در پیشـبرد این رویکرد دانسـت. دولت بدون توجه به اعتراضات صورت‌گرفته به اعطای مجوز به محتواهای فرهنگی مسـاله‌دار به رویکرد خود ادامه داده و راه را برای نفوذ فرهنگی تعداد بیشـتری از روشـنفکران و هنرمندان گشوده است. این دولت در اقداماتی مشابه از هنرمندان و روشنفکران طاغوتی که بعضا عناد خود را با نظام جمهوری اسلامی صراحتا نشان داده‌اند تقدیر به عمل آورده اسـت. مجموع ایـن اقدامات در حدی بوده است که نمایندگان مجلس بارها تا استیضاح وزیر فرهنگ پیش رفته‌اند. از بین بردن هویت فرهنگی به بهانه توسعه، موضوعی نیست که در قرن بیست‌ویکم و توسط برخی نظریه‌پردازان و شبه‌روشنفکران روز به گوش برسد بلکه یادآور منورالفکرهای عصر مشروطه اسـت که حال با گذشت بیش از یک قرن از منسوخ شدن این طرز فکر، باز از زبان مروجان گفتمان اعتدال شنیده می‌شود؛ با این تفاوت که اکنون طبل رسوایی غرب در بسـیاری از مسـائل فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی و سیاسـی به صدا درآمده اسـت ولی هنوز شاهد ارائه نظریات منورالفکری نزدیکان دولت هستیم. به علاوه رویکردهای اتخاذشده توسط دولت می‌تواند آینـده نامطلوبی را در ابعاد گسـترده برای فضای فرهنگی در پی داشـته باشـد. محدود کردن نیروهای انقلابی و حمایت نکردن از جریانات ارزشی و فعالیت‌های موثر فرهنگی می‌تواند موجب سرخوردگی و شکست این جریان فرهنگی در جنگ نرم فرهنگی شـود و از سـوی دیگر با حمایت دولت از جریان‌ها و فرهنگ‌های معـارض راه برای نفوذ حداکثری عناصر معاند و شروع استقرار آنها در نهادهای فرهنگی و ریشه دوانیدن‌شان باز شود. با توجه به اینکه نفوذ فرهنگی بی‌صدا‌تر و با سرعت کمتر به صورت نامحسوس اتفاق می‌افتد مبارزه با آن سخت‌تر است و به زمان بیشتری نیاز دارد. با نفوذ صورت‌گرفته در عرصه فرهنگی، زمینه نفوذ اجتماعی و اقتصادی و به تبع آن نفوذ سیاسی و پس از آن سـلطه فرهنگی اتفاق خواهد افتاد. با نفوذ گسـترده فضای اباحه‌گری و تسـاهل مسؤولان نیز شاهد فضای سکولاریسم و فساد گسترده در اجتماع خواهیم بود به نوعی که این فساد در بین همه اقشار جامعه تسـری پیدا خواهد کرد و فراگیر خواهد شد. با فراگیر شـدن فساد در ایران، دشـمن قادر خواهد بود ملت مقاوم ایران را از سـر راه خود بردارد و پروژه «آندلس‌سـازی» از ایران را به انتها برساند. در ضمن حضور و فعالیت عناصر فمینیسـتی در بدنه دولت و تاثیرگذاری آنها بر سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذشده باعث هویت‌زدایی از زنان ایرانی و سـوق دادن آنها به ورطه‌های بی‌پایان زن‌سالاری خواهد شد که نتیجه آن چیزی جز از بین رفتن نهاد خانواده، پایین آمدن آمار ازدواج و افزایش روابط نامشروع و نابهنجار نخواهد بود. به طور قطع می‌توان گفت آسیب‌ها و مضرات فرهنگی این گفتمان به مرور زمان تاثیرات بیشتری بر جامعه اسلامی ایران خواهد گذاشت که در آن موقعیت امکان بازگشت و اصلاح سیاست‌های فرهنگی وجود نخواهد داشت. با نگاهی به انقلاب اسلامی ایران و نحوه پیروزی آن بر رژیم پهلوی درمی‌یابیـم مبدأ و هویت انقلاب اسلامی، فرهنگی بوده است و آنچه مردم مستضعف و رنجدیده را با دست‌های خالی مقابل رژیم زورگوی شاهنشـاهی پیروز کرده اسـت باورهـا و ارزش‌های آنهاسـت که در طول تاریخ رشـد و تعالی یافته و در انقلاب اسـلامی به ثمر نشسته است. ارتقای فرهنگ و کامل شدن هنجارهای مردم توسط ارزش‌های دینی بعد از انقلاب سبب تعالی فرهنگی این ملت شده است. ملتی که در تاریخ خود بیشترین مقاومت را در عرصه فرهنگی از خود نشان داده است. حتی در برهه‌هایی که کشـور در بحران‌های اقتصادی شدید بوده و به لحاظ سیاسـی امکان تجزیه کشور بوده است، ملت ایران از باورها و ارزش‌های خود دست نکشیده است. نمونه‌ای از این رویکرد ملت ایران را می‌توان در اواخر سلطنت «رضاشاه» یافت که شدیدترین فشارها و حملات برای کشف حجاب ایجاد شد که نتیجه‌ای جز مقاومت مردم نداشت. بستن راه نفوذ فرهنگی بر روشنفکران غربگرا و اباحه‌گر، باعث تقویت روحیه عزت ملی می‌شـود و تقویت عزت ملی باعث پیشـرفت و ارتقای فرهنگی می‌شـود. پس از وقوع پیشـرفت فرهنگی و به دلیل وجود زمینه‌های فکری، فرهنگی و اعتقادی مشترک در بین کشورهای منطقه، نوعی از اقتدار فرهنگی برای جمهوری اسلامی ایران در منطقه پدید می‌آید؛ اقتدار فرهنگی نیز مقدمه اقتدار سیاسی خواهد بود که این نقطه پایانی حاصل پیدایش و تقویت روحیه عزت ملی و بویژه عزت فرهنگی است.

■■■

افسر ارشد سابق ارتش آمریکا: می‌خواهند پای آمریکا به ایران باز شود

یا ساده‌لوح هستند یا پول گرفته‌اند

اشاره: «کن کیف» یکی از افسران ارشد سابق نیروی دریایی آمریکاسـت که در ۱۹ سالگی به علت اینکه فکر می‌کرد ارتش آمریکا مفیدترین ارتش دنیاست به عضویت تفنگـداران نیروی دریایی آمریکا درآمد. وی که در جزایر هاوایـی و با امکانات مالی خوب زندگی و تجارت می‌کرد، سـال ۲۰۰۱ از آمریکا خارج شد و در اعتراض به سیاسـت‌های حکومتی آمریکا با آتش زدن پاسپورت خود شهروندی آمریکا را پس داد و در حال حاضر یکی از فعالان ضدسیاست‌های آمریکایی و اسرائیلی است. کن کیف که به ایران سفر کرده است در جمع دانشـجویان دانشگاه کرمان سخنان جالبی اظهار داشت که گزارش آن در ادامه می‌آید.

■ برجام خیلی ناعادلانه است/ برجام اصلا برای من قابل فهم و درک نیسـت/ پذیرش توافق مرا عصبانی می‌کند

کیف در سـخنانی جالب در رابطه با برجام گفت: «برجام خیلی ناعادلانه اسـت؛ کاملا نامنصفانه است که چرا ملتی صلح‌طلب بایـد مجبور به پذیرش این همه بازرسی‌ها باشـد؛ این موضوع به هیچ وجه برای من قابل فهم و درک نیسـت و مرا عصبانی می‌کند». افسر ارشد سابق نیروی دریایی آمریکا ادامه داد: «من دوست داشتم ایران در مذاکرات همه چیز را قبول کند و تنها شرطی را که قبل از امضای مذاکرات قرار می‌داد این بود که اسرائیل هم باید این محدودیت‌ها را بپذیرد و امضا کند. کاش همانطور که ۱+۵ با ایران مذاکره کرد و برجام را امضا کرد با اسرائیل هم که این همه بمب و فعالیت نظامی هسـته‌ای دارد این مذاکرات را انجام می‌داد؛ ایران اصلا در مسیر ساخت بمب اتم نیست».

■ توافق آمریکا با کشورها برای نفوذ در آنان است/ افرادی که تلاش می‌کنند توافق شود منافعی دارند که می‌خواهند پای آمریکا به ایران باز شود

کیف با اشاره به اینکه باید دید آمریکا چه کار خواهد کرد و چه اقداماتی را انجام می‌دهد، بیان داشت: «آمریکا حرف زیاد می‌زند، من اعتقاد دارم آمریکا تاکنون و در طول تاریخ در تمام توافقاتی که انجام داده است بر این اساس بوده که بتواند در کشورها نفوذ کند». وی افزود: «افرادی هستند که از مذاکرات نفع می‌برند. افرادی که تلاش می‌کنند توافق شود منافعی دارند که می‌خواهند پای آمریکا به ایران باز شود».

■ کسـانی که فکر می‌کنند آمریکا بـه ایران نفع می‌رساند یا ساده‌لوح هستند یا پول گرفته‌اند

کیف تشـریح کرد: «دولت ایالات متحده به مردم خودش هم نفع نمی‌رساند چه برسد به مردم ایران. این ساده‌لوحی است که فکر کنیم آمریکا به دنبال کمک به مردم ایران است. اگر فردی بخواهد غیر از این فکر کند که آمریکایی که به فکر منافع مردم خودش نیست چگونه می‌خواهد به مردم ایران نفع برساند این فرد یا ابله است یا به او پول داده‌اند».

■ تنها واکنش من در برابر سخنان رهبر عالی ایران تحسین است

کیف ادامه داد: «وقتی سـخنان رهبر عالی شـما را درباره مسـائل هسته‌ای می‌شنوم در آنها عقلانیت و هوشـیاری می‌بینم که این مساله را متوجه شده و اجازه نمی‌دهد سیاستمداران در برابر آمریکا سر خم کنند. تنها واکنش من در برابر سخنان ایشان تحسین است». وی در ادامه گفت: «هیچ مقایسه‌ای میان رهبر علی شما با رهبران آمریکا جایز نیست زیرا صد در صد حرف‌های رهبر عالی شما صادقانه است اما مسؤولان آمریکا فقط دروغ می‌گویند».

■ دولت آمریکا از گروهی خائن تشکیل شده

وی افزود: «درباره مباحثی که مربوط به حقوق‌بشر می‌شـود؛ امروز در آمریکا قانونی وجود ندارد اگر هم وجود داشته باشد اجرایی نمی‌شود؛ پس دولت آمریکا تشکیل شده از گروهی خائن؛ در صورتی که به قانون اساسی قسم خورده‌اند که به کشور خود خیانت نکنند اما آنان مرحله به مرحله که پیش می‌روند بیشـتر و بیشتر به کشورشان خیانت می‌کنند». افسر ارشد سابق نیروی دریایی آمریکا به زندان گوآنتانامو اشاره کرد و گفت: «به عنوان مثال گوآنتانامو را همه می‌شناسیم؛ اما سیاست‌های زیادی در دنیا وجود دارد که متعلق به آمریکاست و افراد بی‌گناهی را در آنجا زندانی کرده‌اند که هیچگونه امکاناتی از قبیل بهداشـتی، خوراک و پوشاک ندارند، اینها برای ایالات متحده عادی است».

■ ایالات متحده آمریـکا بزرگ‌ترین ناقض حقوق بشر است

وی ادامـه داد: «من اعتقاد راسـخ دارم که ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین ناقض حقوق‌بشر است و از طریق دلار و نفت سیسـتم قتل، جنایت و کشتار را در دنیا گسـترش داده است؛ صدام زمانی که با ایران می‌جنگید و ایرانی‌ها را می‌کشـت دوسـت ما بود اما بعدها که سیاسـت‌ها عوض شد و شرایط تغییر کرد خود او را هم کشتند».

■ آمریکایی‌هـا همـواره در رابطه با ایـران دروغ می‌گویند

وی افزود: «رسـانه‌ها برای مردم آمریکا باورسازی کرده‌انـد که ایرانیان در حال سـاخت بمب اتم برای نابودی مردم آمریکا و اسرائیل هستند؛ در واقع جریان اصلی که مجموعه واحدی هسـتند همواره در رابطه بـا ایران دروغ می‌گویند و از ایران به عنوان کشـوری خطرناک نام می‌برند که می‌خواهد اسـرائیل را نابود کند». افسر ارشد سابق نیروی دریایی آمریکا با تاکید بر اینکه مسائل بسیار غیرحقیقی درباره مردم ایران گفته می‌شود، تصریح کرد: «یکسـری موضوعات را درباره ایـران نمی‌توان تغییر داد و وارونه جلوه داد؛ به عنوان مثال مردم آمریکا نمی‌دانند کشور ایران در ۳۰۰ سال گذشته هیچ جنگی را علیه کشوری نداشته؛ با توجه به اینکه در منطقه جنگ‌خیز و پرجنگی حضور دارد». وی ادامه داد: «غـرب و آمریکا نمی‌دانند ایران مکان امنی برای یهودی‌ها و مسیحیان است و در خاورمیانه بیشترین تعداد یهودی بعد از اسرائیل در ایران زندگی می‌کنند؛ مردم آمریـکا این موضوعات را نمی‌دانند و بلکه دروغ می‌شنوند که ایران می‌خواهد یهودی‌ها را نابود کند و این در حالی است که یهودی‌ها در ایران از رفاه کامل و خوبی برخوردارند».

■ بیشترین تعداد زندانیان دنیا در آمریکا هستند

کیف ادامه داد: «آمریکا بیشترین تعداد زندانی را در کل دنیا به خود اختصاص داده. بیش از ۲ میلیون نفر در این کشور زندانی هستند که تعداد زیادی از آنان بیگناهند». وی با اشاره به تحقیقی که روی زندانیان اعدامی چند سـال پیش انجام شـد، بیان داشت: «با تست دی‌ان‌ای نشان داده شد ۱۷ نفر به اشتباه اعدام شده‌اند، بنابراین هر تحقیقی که انجام می‌گیرد [مربوط به سیسـتم زندان‌های آمریکا] نشـان می‌دهد تعداد بالایـی از آنان بیگناه هسـتند و در درون زندان‌ها با سیستم‌های مخوف شکنجه و اذیت می‌شوند».

■ زنان در آمریکا به یک شـیء جنسی تبدیل شـده‌اند/ آمار تجاوز در کمپ‌های دانشجویی و ارتش آمریکا رقم بالایی دارد

کیف درباره خشـونت علیه زنان در کشور آمریکا نیز گفت: «در این کشـور و در غرب زن به یک شیء جنسی تبدیل شده است و این موضوع در فرهنگ آنان موردی عادی است که زنان تنها شیء جنسی باشند و برای تبلیغات و لذت‌ها مورد استفاده قرار گیرند و این تبدیل شدن به کالا متاسـفانه در آمریکا عادی شده اسـت». وی ادامه داد: «بحث تجاوز به زنان و دختران در کمپ‌های دانشـجویی و دانشگاه‌ها و مدارس آمار بالایی دارد؛ تجـاوز در داخل ارتش آمریکا هم از رقم بالایی برخوردار است».

■ قرارداد نظامی آمریکا و عربستان ۶۰ میلیارد دلار است

افسـر ارشـد سـابق نیـروی دریایـی آمریـکا در پاسـخ بـه سـوالی در رابطه بـا یمن و سـوریه و کمک‌هـای آمریـکا بـه جریان‌هـای مخالـف نیـز گفـت: «قـرارداد نظامـی آمریکا و عربسـتان ۶۰ میلیارد دلار اسـت؛ رابطه بین عربستان و آمریکا نمی‌تواند از این صمیمی‌تر باشـد که این سلاح‌ها در جنایاتی که در سکوت مطلق علیه مردم یمن و سوریه صورت می‌گیرد؛ مورد اسـتفاده قرار می‌گیرند». وی افزود: «آمریکا درباره حقوق زنان در کشـورهای دیگر چه فریادها که نمی‌زند اما درباره زنان عربسـتانی که حتی حق رانندگی ندارند؛ سکوت کرده و اعتراضی به این کشور نمی‌کند».

■ مـن می‌گویم داعـش یعنی سـرویس امنیتی مخفی اسرائیل

کیف به گروه تکفیری داعش اشـاره کرد و گفت: «داعش که در کشورهای غربی به ISIL معروف است، به گفته من یعنی سـرویس امنیتی مخفی اسرائیل؛ تولید داعش کار آمریکاست؛ سیاست‌های عربستان و اسرائیل یک مجموعه کاملی است که مکمل یکدیگر هسـتند و حمایت‌های مالی‌ای کـه از داعش صورت می‌گیرد توسـط عربستان و کشـورهای خلیج‌فارس اسـت که داعش در این‌باره مشکلی ندارد». وی ادامه داد: «داعش توسـط عربستان حمایت مالی می‌شود؛ من سوالم از شما این است چرا داعش به اسرائیل حمله نمی‌کند؟»

■ اگر آمریکا به ایران نفوذ کند؛ گروه‌های تکفیری در ایران نیز به جنگ خواهند پرداخت

کیف با اشـاره به اینکه اسـرائیل به دنبال ایجاد اسـرائیل بزرگ از نیل تا فرات اسـت، بیان داشـت: «اسـرائیل بزرگ شامل کشـورهای سـوریه، عراق، عربسـتان و مصر تا رود نیل می‌شـود، اسرائیلی‌ها با ایجاد درگیری‌های داخلی در کشورها می‌خواهند به این اهداف خود دست یابند و عربستان هم دارد در این مسـیر به آنان کمک می‌کند و گام برمی‌دارد». افسر ارشد سابق نیروی دریایی آمریکا افزود: «آمریکا در هر جایی که رفته است گروه‌های افراطی وجود دارد چرا ایـن گروه‌ها هنوز به ایـران نیامده‌اند چون آمریکا در ایران نیسـت، اگر آمریکا به ایران نفوذ کند؛ گروه‌های تکفیری در ایران نیز به جنگ خواهند پرداخت».

تنظیم: مجید دانشی

اشاره

جانشین استالین نخستین افشاگر علیه استالین

در سـال ۱۹۴۱ «هیتلـر» بـه آرامش خاطر «اسـتالین» پایان داد و دستور حمله ناگهانی به شوروی را صادر کرد. در عرض ۳-۲ روز اول هجوم، حدود ۲۰۰۰ هواپیمای روسـی سرنگون و صدها هزار سرباز ارتش سرخ توسط نازی‌ها کشته شدند. استالین که کاملا شوک‌زده و مبهوت شده بود، تا چند ساعت نتوانست هیچ اقدامی صورت دهد. در نهایت هم کرملین را به قصد اقامتگاه زمستانی خود در حومه مسکو ترک کرد. وقتی اعضای «پولیت بورو» (دفتر سیاسی حزب و قوی‌ترین تشکیلات در شـوروی) تقاضای دیدار با او را کردند، او گمان می‌برد که به قصد دسـتگیری او می‌آیند، لیکن اعضای پلیت بورو و فرماندهان نظامی که در شرایط هجوم سـنگین آلمان، چـاره‌ای جز اتکا به رهبر مقتدر شوروی نداشتند، از او خواستند به کرملین بازگردد و شخصا فرماندهی ارتش سرخ را در برابر آلمان بر عهده گیرد. ماجرای نبرد شوروی و آلمان نازی، یکی از فصول مهم تاریخ قرن بیستم است که جهان بشریت در نبرد بین این دو قدرت جهانی شاهد یکی از سیاه‌ترین و خونبارترین فصول تمام تاریخ خود بود. استالین با همان سیاست چکشی و خشـن خود توانسـت مدیریت ارتش را دوباره سامان دهد و به مقاومت برابر نازی‌ها بپردازد. طبق دستور استالین، هرگونه تمرد از دستور و هرگونه عقب‌نشینی بی‌درنگ با اعدام پاسخ داده می‌شد. جنایات نازی‌ها در شـهرهای تحت تصرف، بویژه در اوکراین، استقبال اولیه برخی از نواحی شوروی از نیروهای آلمانی را متوقف کرد. مردم شـوروی، خیلی زود فهمیدند که دشمن خارجی در جنایت و شقاوت دسـت‌کم از استالین ندارد و اصولا نژاد اسلاو را بشر نمی‌داند. اینجا بود که حماسه مردم شـوروی آغاز شد. با آنکه نیروهای آلمان حتی به حومه مسکو هم رسیدند، لیکن مقاومت حیرت‌آور و حدودا ۳ ساله اهالی استالینگرد و شروع زمستان سرد روسیه، عاقبت موجب شکست نازی‌ها شد. در ایـن جنگ حدودا ۲۳ میلیون نفر از جمعیت اتحاد شـوروی اعم از نظامی و غیرنظامی کشته شـدند. پیروزی شـوروی در جنگ دوم جهانی و فتح برلین توسـط نیروهای ارتش سـرخ، آغاز دوران ابرقدرتـی شـوروی و تقسـیم جهـان به ۲ اردوگاه شـرق و غرب بود. اسـتالین به عنوان مقتدرترین مرد روی زمین، در حالی ۸ سال دیگر زندگـی کرد که هیچ حاکمـی در تاریخ قدرت و اختیارات او را نداشـت. در عین حال، او تنهاتر از همیشه بود و به واسطه عملکردش هیچ دوست، خانواده یا همکار نزدیکـی برایش نمانده بود. در نهایت استالین در ۸ مارس ۱۹۵۳، در ۷۴ سالگی بر اثر سکته مغزی در اتاق شخصی‌اش در گذشت. درباره ابهت او همین بس که، وقتی بر اثر سـکته مغزی، دچار نوعی خفگی شـد، با آنکه ساعت‌ها از اتـاق او جوابی به بیرون نمی‌آمـد و او در حال جان کنـدن بود، هیچکس جرأت ورود به اتاقش را نداشـت. با مرگ اسـتالین یکی از سـیاه‌ترین صفحـات تاریخ بشـر بـه پایان رسـید. با مرگ استالین، تا مدت ۵ سال (تا ۱۹۵۸)، اتحاد شوروی به صورت جمعی اداره می‌شد. شماری از اعضای ارشـد پولیت بورو شـامل «گیورگی مالنکوف»، «لاورنتی بریا»، «ویاچسـلاو مولوتف» و «نیکیتا خروشچف» که همه کارگزاران اصلی دیکتاتوری اسـتالین بودند، اداره شوروی را به دست گرفتند. از این جمع، لاورنتـی بریا، رئیس پلیس مخوف استالین و مسؤول ماشین کشـتار و سرکوب او، به اتهام جاسوسی برای کشورهای غربی دستگیر و اعدام شـد! تقریبا ۳ سال بعد از مرگ دیکتاتور بزرگ، افشاگری درباره جنایات ۳۰ ساله استالین، توسـط رهبران خود حزب کمونیست آغاز شد. نیکیتا خروشچف، جانشـین استالین، در کنگره بیسـتم حزب کمونیسـت بعد از مرگ استالین (۱۴ فوریه ۱۹۵۶)، نخسـتین افشاکننده رازهای مخـوف دوران او بود. نیکیتا خروشـچف در این جلسـه محرمانه، به‌طور غیرمترقبه‌ای شروع به افشای بخشـی از رازهای مخوف دوران حکومت استالین کرد. خروشچف که پس از مرگ استالین، دبیر اول کمیته سیاسی حزب شده بود، بعد از این افشـاگری مهم، دیگر رقبای خود را در حزب به حاشیه راند و در ۱۹۵۸ به عنوان رئیس «شورای وزیران» (پریزیدیوم) و عملا صدر اتحاد شـوروی انتخاب شـد. او تلاش کرد تا فضای اجتماعی و سیاسی شوروی را بازتر کند و بسیاری از مخالفان زندانی دوره اسـتالین را آزاد کرد و از بسـیاری از اعدامیان آن دوره اعاده حیثیت کرد. خروشچف در زمینه اقتصاد تلاش داشت تا برخی از مبانی اقتصاد آزاد را هم به اقتصاد سوسیالیستی پیوند بزند و در زمینه سیاست خارجی هم انعطاف بیشتری نسبت به غرب نشان داد. او در سال ۱۹۶۴ توسط حزب کنار گذاشته شـد و بعد از مدت کوتاهی رهبری جمعی، «لئونید برژنف» صدر حزب کمونیسـت شد. برژنف تلاش کرد تا اقتدار حزب را احیا کند و در نتیجه دوباره رهبری حزب کمونیست بر تمام شؤون حیات مردم شوروی مستحکم شد که البته هیچ‌گاه به پای دوران اسـتالین نرسـید. دستگاه دیوان‌سالاری شوروی دوباره در دوران او گسترش یافت. سیاست استالین‌زدایی کنار گذاشته شد و آزادی‌های محدود دوره خروشچف از بین رفت.

منبع: کتاب تاریخ انقلاب روسیه